

هدف از این پژوهش آشنایی با داستان نویسان و مترجمان داستانی است که از سال ۱۳۵۷ تا به امروز رخ در نقاب خاک کشیده اند. در واقع محدوده زمانی بیست سال اخیر را دربرمی گیرد. لذا سعی شده به ترتیب توالی سال، اسامی افراد همراه با زندگینامه مختصر و تاریخ دقیق تولد و درگذشت آنها آورده شود. پس مبنای کار برای آوردن اسامی افراد براساس اتفاقات سال است نه براساس حروف الفبایی و ... چون در سالهای ۵۹ و ۵۸ خوشبختانه داستان نویس یا مترجم داستانی از دنیا نرفته، بنابراین این سالها از مقاله حذف می شوند.

سال ۱۳۵۷

سید مرتضی مشفق کاظمی

(۱۲۷۷ - دهه سوم شهریور ۱۳۵۷)

مشفق کاظمی نویسنده نخستین رمان اجتماعی در نشان دادن وضع حقارت بار زنان ایرانی با نام «تهران مخوف» است. و شهرتش را بیشتر با همین کتاب به دست آورد. وی تحصیل کرده آلمان بود و زمانی که در برلین اقامت داشت در مجله های «فرنگستان» و «ایران شهر» که ناشر افکار جوانان تند و تیز در سالهای ۱۳۰۴ - ۱۳۰۸ بود، مقاله می نوشت؛ بعدها چندی مدیر مجله «فلاح و تجارت» بود.

مشفق کاظمی از جمله مؤسسان انجمن «ایران جوان» بود و دوران خدمت اداری اش را بیشتر در وزارت امور خارجه گذراند. «تهران مخوف» بهترین کار مشفق کاظمی است. ظاهراً به روسی هم ترجمه شده و در اغلب تاریخهای ادبیات معاصر ایران که توسط خارجیها تألیف شده معرفی آن آمده است. جلد دوم کتاب «تهران مخوف» با عنوان «یادگار یک شب» در ۱۳۰۴ منتشر شده است.

از آثار دیگر وی باید از «گل پژمرده» (۱۳۰۸) و «اشک بر بها» (۱۳۰۹) و «روزگار و اندیشه ها» نام برد. کتاب اخیر اتوبیوگرافی خود اوست.

سید مرتضی مشفق کاظمی در نیمه دوم شهریور ۱۳۵۷ از دنیا رفت.

سال ۱۳۶۰

اسماعیل شاهرودی

(۱۳۰۴ - ۴ آذر ۱۳۶۰)

اسماعیل شاهرودی در سال ۱۳۰۴ دیده به جهان

گشود، تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش (دامغان) گذراند و به سبب علاقه مندی اش به هنر وارد دانشکده هنرهای زیبای تهران شد و پس از چهار سال فارغ التحصیل گردید. از همان اوایل کودکی به شعر و شاعری علاقه مند بود تا اینکه شاعری نام آور شد. وی شاعری بود که با حوادث سیاسی ایران در سالهای ۱۳۲۵ - ۱۳۳۲ نام یافت و چندین سال پس از آن هم از شاعران نوپرداز ناموری بود که قطعاًش در مجلات به چاپ می رسید. نام مستعار شعری و قلمی اش «آینده» بود و نام فرزندش را نیز «آینده» گذارده بود. شاهرودی مدتی به شغل معلمی (آموزگاری و دبیری) و بعد کارهای فرهنگی (مخصوصاً در کمیسیون ملی یونسکو) مشغول بود و زمانی هم تدریس زبان فارسی در دانشگاه علیگره (هند) را به عهده داشت. او داستانهای ذهنی و خاطره ای اش را در مجموعه «چند کیلومتر و نیمی از واقعیت» (۱۳۵۰) تحت تأثیر ادبیات بومی نوشته است. آینده در چهارم آذر ۱۳۶۰ دیده از جهان بریست. آثار و تالیفات:

- آخرین نبرد (با مقدمه نیماوشیخ) (۱۳۳۰)

- برگزیده شعرها (۱۳۳۸) - آینده (۱۳۳۶)

- هر سوی راه راه (۱۳۵۰) - م و می درسا (۱۳۳۹)

- چند کیلومتر و نیمی از واقعیت (داستان - ۱۳۵۰)

- آی میقات نشین (۱۳۵۱)

علی دشتی (۱۲۷۴ - دی ۱۳۶۰)

علی دشتی نویسنده سیاسی و ادبی، روزنامه نگار، داستان نویس و ادیب، فرزند شیخ عبدالحسین دشتستانی به سال ۱۲۷۴ در کربلا به دنیا آمد و پس از چند سال تحصیل در عراق در سال ۱۲۹۸ به ایران بازگشت. وی در ۱۱ اسفند سال ۱۳۰۰ روزنامه معروف خود به نام «شفق سرخ» را منتشر ساخت. این روزنامه به مطالب ادبی گرایش داشت و مقالات افرادی چون نفیسی، یاسمی، محمد سعیدی، عباس اقبال و ... در آن چاپ می شد. علی دشتی نیز مقالات خود را با نام مستعار «مجهول» در روزنامه اش - منتشر می ساخت.

با به قدرت رسیدن رضاخان وی به دلیل فعالیت‌های سیاسی اش مدتی خانه نشین شد. در این مدت «ایام محبس» (۱۳۰۱) را نوشت که شامل خاطرات وی از

بازداشت کوتاه مدت او و تفکراتش در سیاست و روان‌شناسی است. فعالیت‌دستی در روزنامه نویسی و عضویت چند دوره مجلس، وزارت کوتاه مدت و سفارت در مصر و لبنان سپری شد.

دستی افزون بر نویسندگی به کار ترجمه نیز می‌پرداخت. به طوری که چندین کتاب روان‌شناسی نیز ترجمه کرد. وی در داستان‌پردازی قوی دست بود و آثار داستانی‌اش از لحاظ توصیف شیوه زندگی و آمال طبقات مرفه قابل توجه است.

علی‌دستی پس از ۶۷ سال تلاش و فعالیت در زمینه فرهنگ و ادب در دی ماه ۱۳۶۵ از دنیا رفت.

فعالیت‌های قلمی دستی را می‌توان به سه رشته تقسیم کرد. ۱. قلم روزنامه‌ای و سیاسی ۲. قلم داستانی و ترجمه ۳. نقد ادبی.

آثار و تالیفات:

- فتنه (۱۳۲۲).

- روزنامه شفق سرخ (۱۲۹۸ - ۱۳۰۹).

- ایام محبس (۱۳۰۱).

- نوامیس تطور روحیه ملل، نوشته گوستاو لوبون (ترجمه از ترجمه عربی (۱۳۰۲ - چاپ دوم ۱۳۳۳).

- تفوق انگلوساکسون مربوط به چیست؟ نوشته ادمون ترجمه از ترجمه عربی، (۱۳۰۳).

- اعتماد به نفس: از سمویل اسمایلز، ترجمه از ترجمه عربی آن (۱۳۰۵، چاپ هفتم ۱۳۳۳).

- سایه، مجموعه مقالات ادبی و اجتماعی که دوبار چاپ شده است، (۱۳۲۵).

- جادو: چند بار چاپ شده است، (۱۳۳۰).

- هندو، چند بار چاپ شده است، (۱۳۳۱).

- نقشی از حافظ، چند بار چاپ شده است و چاپ‌های اخیر صورت کاملتری دارد، (۱۳۳۶).

- سیری در دیوان شمس، چند بار چاپ شده است، (۱۳۳۷).

- در قلمرو سعدی، چند بار چاپ شده است، (۱۳۳۸).

- شاعری دیر آشنا، (۱۳۴۰).

- دمی با خیام، این کتاب چند بار چاپ شده و چاپ‌های اخیر آن صورت کاملتری دارد. کتاب توسط الول ساتن به

انگلیسی ترجمه و نشر شده است، (۱۳۴۴).

- نگاهی به صائب، دوبار چاپ شده است، (۱۳۵۳).

- پرده پندار، در موضوع تصوف است و دوبار چاپ شده است، (۱۳۵۳).

- عقلا بر خلاف عقل، بیشتر درباره محمد غزالی است و دوبار چاپ شده است، (۱۳۵۴).

- در دیار صوفیان، دنباله پرده پندار (۱۳۵۴).

- کاخ ابداع، اندیشه‌های گوناگون حافظ، دوبار چاپ شده است، (۱۳۵۵).

- پنجاه و پنج (۱۳۵۵).

سال ۱۳۶۱

نصرت‌الله باستان

(۱۲۸۲ - آذرماه ۱۳۶۱)

نصرت‌الله باستان نویسنده، طنزپرداز و استاد چشم پزشکی دانشگاه تهران در سال ۱۲۸۲ به دنیا آمد. در میان اهل کتاب و ادب به مناسبت ذوق طنزپردازی و حکایت‌نویسی ادبی شهرت داشت و نوشته‌هایش در مجله‌ها به ویژه مجله «یغما» به چاپ رسیده است و قسمتهایی از آنها را خود به صورت دو کتاب به نامهای «افسانه زندگی» (تهران، ۱۳۴۴) و «چل تیکه» (تهران، ۱۳۵۱) منتشر ساخته. «افسانه زندگی» یا «خواب پریشان» وی به شرح گذشته و حکایت دوران مدرسه اختصاص دارد و در بخش دیگر به خیالپردازی درباره آینده و مرگ پرداخته و «چل تیکه» هم دربرگیرنده ۴۵ قطعه طنزآلود از ماجراهای زندگی خود اوست. گفتنی است که نصرت‌الله باستان چندی نیز (۱۳۲۳) نشریه «باستان» را منتشر ساخت. فوت باستان در آذرماه ۱۳۶۱ بوده است.

آثار و تالیفات:

- «افسانه زندگی» تهران، ۱۳۴۴، ش.

- «چل تیکه» تهران، ۱۳۵۱، ش.

سال ۱۳۶۲

ح.م حمید حسینی مستعان

(۱۲۸۲ - ۱۳۶۲)

حسینی مستعان مترجم و نویسنده داستانهای عشقی، جنایی در سال ۱۲۸۳ به دنیا آمد. در دارالفنون و مدرسه حقوق و علوم سیاسی قدیم تحصیل کرد. مستعان را نخستین پاورقی نویسنده ایرانی می‌دانند. از سال ۱۲۹۸ به حرفه روزنامه‌نگاری پرداخت و سردبیر نشریه‌های «ایران»، «مهر»، «کیهان»، «راهنمای زندگی» و «تهران»

مصور» بود. وی در طی سالهای ۱۰- ۱۳۰۷ ترجمه «بینوایان» اثر ویکتور هوگو را منتشر کرد. مستعان سالها یکه تاز میدان ادبیات عامه پسند بود و به شکلی رمانتیک، شور و حال نسلی را بازتاب می داد که با شگفتی به قصه روی آورده بود. وی در حدود ۹۰ اثر به چاپ رساند که اغلب آنها بارها تجدید چاپ شده اند. (حدود ۴۶ تالیف و ترجمه او در جلد دوم «مؤلفین کتب چاپی» مندرج است). مستعان در سال ۱۳۶۲ دیده از جهان فرو بست.

«آثار و تالیفات:

- آتش به جان شمع فتد (۱۳۳۳).
- آرزیتا (۱۳۱۹).
- آخرین (۱۳۱۹).
- آلامد (۱۳۲۲).
- استخوان زیر پی (۱۳۳۳).
- افسانه (۱۳۰۴).
- افسرده دل (۱۳۲۰).
- شیرین (۱۳۱۹).
- عروس (۱۳۳۶).
- عشق (۱۳۳۶).
- عشق آزاد (۱۳۲۰).
- اندیشه های جوانی (۱۳۱۵).
- بهشت (۱۳۳۵).
- بهشت روی زمین (۱۳۲۰).
- بشیمان (۱۳۲۰).
- تار شکسته (بی تاریخ).
- داستانها (۱۳۲۱).
- دلارام (۱۳۱۹).
- عشق مقدس (۱۳۳۶).
- علی بابا (۱۳۰۶).
- غزال (۱۳۱۹).
- قصر انسانیت (۱۳۳۸).
- دلخسته (۱۳۳۶).
- شورانگیز (۱۳۲۰).
- شوریده (۱۳۱۹).
- شهر آشوب (۳۶-۱۳۳۴).
- شهرزاد (۱۳۱۹).
- شیده (۱۳۱۹).
- قصه رسوایی (۱۳۲۲).
- گل بی خار (۱۳۱۹).
- گلی (۱۳۲۲).
- گناه مقدس (۱۳۳۳).
- لذت (۱۳۲۲).
- ماجرای دل سرافکنده (بی تاریخ).
- مثل خدا که مال همه است (۱۳۳۹).

- مجموعه داستانهای حمید (بی تاریخ).
- مهربانی (۱۳۲۱).
- ناز (۱۳۱۹).
- نقطه های شراب (۱۳۳۳).
- نرگس (۱۳۲۲).
- نوری (۱۳۱۸).
- نوش (۱۳۲۱).

رحمت مصطفوی

(۱۲۹۸-۱۳۶۳)

رحمت مصطفوی نویسنده، مترجم و روزنامه نگار به سال ۱۲۹۹ دیده به جهان گشود. تحصیلات خود را در رشته حقوق دانشگاه تهران دنبال کرد و پس از دریافت لیسانس برای گرفتن دکترای حقوق به پاریس رفت. مصطفوی چندین سال در اداره رادیو و خبرگزاری پارس و اداره اطلاعات وزارت خارجه کار کرد. مدتی نیز مدیر مجله «روشنفکر» بود.

مصطفوی در طرح ریزی داستان و پرداختن به موضوعات مختلف اجتماعی که در صدر آنها فساد حاکم بر جامعه خود را بیشتر نشان می دهد، مهارت خاصی داشت. داستانی که در سال ۱۳۲۸ از رحمت مصطفوی به چاپ رسید، «معشوقه و دوست» نام دارد که مجموعه ۷ داستان کوتاه اوست که ۴ داستان از آن مجموعه مربوط به زندگی ایرانی است و ۳ داستان دیگر به شرح عشقبازیهای یک جوان بیکار و پولدار ایرانی در پاریس اختصاص یافته است. رحمت مصطفوی در بهار ۱۳۶۳ چشم از جهان فرو بست.

آثار و تالیفات:

- طهران دموکرات (۱۳۲۱).
- غریبه از آلبر کامو (۱۳۲۸).
- رنگین کمان (۱۳۲۰).
- انگلستان چگونه اداره می شود، (ترجمه) (بی تاریخ)
- آذر (بی تاریخ)

اسماعیل پورسعید

(۱۳۰۵-۱۳۶۳)

اسماعیل پورسعید در ۱۳۰۵ به دنیا آمد. وی از اعضای هیات تحریریه مجله ادبی فکاهی «توفیق» بود. تنها داستان اسماعیل پورسعید «شیخ مرتضی دعائویس» بود که در سال ۱۳۳۷ به صورت پاورقی در مجله امید ایران منتشر شد. وی در این داستان به فرصت طلبیهای کسانی پرداخت که از راه کستراندن چهل مردم امرار معاش می کنند.

اسماعیل پورسعید بعدها به سناریونویسی (برای فیلمهای فارسی) روی آورد.

راه‌شناسی آن ملت بزرگ کوششها کرد و این کار محمود
تفضلی ماندگار است.

او مدتی هم در سفارت هند در تهران کار کرد و ضمناً
به ترجمه و نشر کتابهایی چند در معرفی هند و رهبران
هند همت گمارد و مجله 'هند نوین' را منتشر کرد.

پس از پایان انتشار «ایران ما» و کناره‌گیری از
سیاست به مدیریت نامه 'موسیقی برگمارده شد' و شش
هفت شماره از آن مجله را به طور مطلوبی منتشر کرد.

او، هم به کوه و طبیعت و ورزش علاقه مند بود و هم
به همه مظاهر و جاذبه‌های شهرهای بزرگ و متعلقات آن.
مترجمی بود خوش قلم و پرکار. تفضلی سرانجام پس از
طی یک عمر پرفعالیت در ۴ مهر ۱۳۶۳ چشم از جهان
فرو بست.

آثار و تالیفات:

- زندگانی بتهوون (از رومن رولان)، چند چاپ دارد،
(۱۳۲۸)

- زندگانی یوهان سباستیان باخ، (۱۳۲۹)

- نامه‌های تیرباران شده‌ها، (۱۳۳۰)

- هفت شاهی، از زیگموند مورتیس، (۱۳۳۱)

- شاندر پتوفی شاعر انقلاب مجار، با همراهی بارانی،
(۱۳۳۱)

- دوستی، دوستی، یادداشتهای یک شرکت کننده در
فستیوال برلن، (۱۳۳۱)

- سفری به مسکو، (۱۳۳۲)

- زندگانی، از جواهر لعل نهرو، چندین بار تجدید چاپ
شده، (۱۳۳۵)

- شوین یا شاعر، از گی دوپورتاس، (۱۳۳۶)

- نگاهی به تاریخ جهان، از جواهر لعل نهرو، چند بار
تجدید چاپ شده، (۳۹-۱۳۳۷)

- مهاتما گاندی پدر ملت هند، سفارت هند، (۱۳۳۷)

- هند ۱۹۵۹، سفارت هند، (۱۳۳۷)

- گفت و شنود با آقای نهرو (۱۳۳۸)

- روابط هند و ایران، سفارت هند، (۱۳۳۸)

- اندیشه‌های نهرو (۱۳۴۰)

- نامه‌های پدری به دخترش، از جواهر لعل نهرو، چند بار
تجدید چاپ شده، (۱۳۴۱)

- اتوبیوگرافی فرانکلین (۱۳۴۲)

- همه مردم برابرند، از مهاتما گاندی (۱۳۴۸)

- کشف هند، در دو جلد (۱۳۵۱)

- ایتر پرسیکوم، گزارش سفراتی به دربار شاه عباس اول،
از ژرژ تکتاندرن دریا بل، (۱۳۵۱)

- مرآت الممالک سفرنامه‌ای به خلیج فارس... از سید علی
کاتبی، با همکاری علی گنج‌دلی (۱۳۵۵)

- کودتا، نفت، مصدق، ترجمه و گردآوری، (۱۳۵۹)

- حقیقت من، از ایندرا گاندی (۱۳۶۲)

ابوالقاسم پاینده

(۱۲۸۷- ۱۸ مرداد ۱۳۶۳)

ابوالقاسم پاینده روزنامه‌نگار، نویسنده، داستان و
مترجم از زبان عربی به سال ۱۲۸۷ در نجف‌آباد اصفهان
دیده به جهان گشود. تحصیل علوم قدیمه را در اصفهان
سپری کرد و در ۱۳۱۱ به تهران آمد.

مدتی مجله 'صبا' (۱۳۲۱) با تلاش و فعالیت او
منتشر شد. چند سال بعد به ریاست اداره 'تبلیغات
برگزیده شد. پاینده از زمان ورود به تهران به
روزنامه‌نگاری و نویسندگی پرداخت و داستانهای زیادی
را نوشت. اغلب داستانهای او ترکیبی از خاطره و
موعظه اند. نثرش با واژه‌های عربی آمیخته است. پاینده
در دوره 'دوم مجلس مؤسسان نماینده' مردم نجف‌آباد
بود.

ابوالقاسم پاینده در ۱۸ مرداد ۱۳۶۳ از دنیا رفت.

آثار داستانی:

- تامل (۱۳۱۳).

۲- در آغوش خوشبختی، از لردآوری بوری، (۱۳۱۳).

- اسرار نیکبختی، از اوریزان ماردن، (۱۳۳۳).

- عشق و زناشویی، از نیکلا حداد، (۱۳۳۵).

- در سینمای زندگی، مجموعه داستان، (۱۳۳۷).

- دفاع از ملانصیرالدین (۱۳۴۸).

- جناب آقای دکتر ریش (۱۳۴۸).

- داستانهای برگزیده (۱۳۵۰).

- در گوشه 'دارالمجانین ظلمات عدالت' (۱۳۵۴).

- چرخ آسیا (بی تاریخ).

محمود تفضلی

(۱۲۹۷- ۴ مهر ۱۳۶۳)

محمود تفضلی فرزند مصدق‌السلطان به سال ۱۲۹۷
در شهر مشهد دیده به جهان گشود. تحصیلات خود را در
دانشسرای عالی به پایان برد. پس از آن چندی تدریس و
چندی در موزه ایران باستان کار کرد و مدتی با برادران و
هماوایان خود در نشر و مدیریت روزنامه‌های «بیکار» و
«ایران ما» همکاری داشت. وی به صورت پنهانی به
فعالیت‌های سیاسی مشغول بود. مدتی نیز به سفرهای
سیاسی رفت و چند بار به مهارت از حادثه‌ها جست. تا
اینکه عاقبت خود را به کارهای فرهنگی خارج از ایران
دلجسته ساخت و موفق شد که به انتخاب وزارت فرهنگ و
هنر به ریزی فرهنگی به ترکیه و هندوستان برود و
چندین سال را در آن کشورها سپری کرد.
تفضلی تعلق خاطری به فرهنگ هند داشت و در

غلامحسین ساعدی یکی از معروفترین داستان نویسان معاصر است که به سال ۱۳۱۱ در شهر تبریز به دنیا آمد. او تحصیل علم پزشکی کرد و رشته روانپزشکی را برای تخصص علمی برگزید. اما ذوق و شوق و نیروی خویش را در راه نویسندگی مصروف ساخت. اولین نوشته هایش در ۱۳۲۲ به چاپ رسید. ساعدی چون به شناخت جامعه و فرهنگ مردم (فولکلور) علاقه داشت به پژوهشهای اجتماعی نیز می پرداخت. وی در اوایل دهه ۴۰ با عنوان نمایشنامه نویس (با نام مستعار گوهر مراد) شهرت یافت.

ساعدی نویسنده توانایی است که در نمایشنامه نویسی بیش از رشته های دیگر کار کرده است. موضوع اغلب نمایشنامه ها و داستانهایش مسائل جامعه آن زمان و فسادهای موجود و فرهنگ مردمی (فولکلور) می باشد. در مجموعه داستان «شب نشینی باشکوه» به زندگی کارمندان پرداخته و تصاویری مملو از ملال و آسیبهای روانی - اجتماعی را ارائه داده است. فضای ترسناکی که رئالیسم ساعدی را رمزآمین می سازد، در داستانهای به هم پیوسته «عزاداران بیل» با قدرت بیشتری القا می شود. در مجموعه «دندیل» (۱۳۴۵) مسائل جامعه را از راه توصیف محیط نابهنجاری نمایش می دهد.

در «واهمه های بی نام و نشان» دنیای غم انگیز فقر، جنون و مرگ دهقانان کنده شده از زمین، روشنفکران مرد و بی هدف و... و لگردان آواره ای که در حاشیه اجتماع می زیند با قدرتی بی چون و چرا توصیف می شود.

اصالت کارهای ساعدی در فضا آفرینی شگفتی است که نیرویی تکان دهنده به آثارش می دهد. ساعدی در داستان بلند «آرامش در حضور دیگران» از ورای آسیب شناسی روانی به هجو میلیتاریسم می پردازد. در مجموعه «ترس و لرز» زندگی بندرنشینان فقیر و خرافی جنوب کشور با تخیلی عجیب توصیف می شود. رمان «توپ» به وصف اوضاع اجتماعی روستاهای آذربایجان در سالهای انقلاب مشروطه اختصاص دارد. ساعدی در مجموعه داستان «گور و گهواره» ویژگیهای زندگی شهری امروز را عیان می سازد. آثار فراوان این نویسنده خلاق، گستره وسیعی از داستان و نمایشنامه گرفته تا تک نگاریهای اجتماعی - اقتصادی و ترجمه کتابهای روانپزشکی را دربرمی گیرد. گفتنی است که شش شماره از نشریه «الغیا» (انتشارات مؤسسه امیرکبیر) نیز زیر نظر او منتشر شد.

غلامحسین ساعدی سرانجام پس از یک عمر نویسندگی و فعالیت در دوم آذر ۱۳۶۴ در پاریس از دنیا رفت.

آثار و تالیفات:

- شب نشینی باشکوه (۱۳۳۶)

بهرام صادقی نویسنده توانای معاصر به سال ۱۳۱۵ در نجف آباد اصفهان پای به عرصه هستی گذاشت. وی پس از طی تحصیلات مقدماتی به تهران آمد و در ۱۳۳۶ از دانشگاه تهران مدرک دکترای طب را دریافت کرد. اوج فعالیتهای نویسندگی صادقی سالهای ۴۱-۱۳۳۵ بود که وی با قلمی شیوا و رسا و نثری استوار، واخوردگی، شکست و فقر آدمهای خرده پا، روشنفکران آرمان باخته و مجنون و کارمندان جزء را در شکلهای متنوع و جدید داستانی بیان کرد.

طنز بدیع، تلخ و پیچیده صادقی در داستانهای فلسفی اش به ماورای طبیعت می گراید و واقعگرایی او را خنده دار می کند. جز رمان «ملکوت» (کیهان هفته ۱۳۴۱)، مجموعه ای از داستانهای کوتاهش با نام «سنگر و قمقه های خالی» (۱۳۴۹) منتشر شده است.

صادقی در سال ۱۳۳۷ چندی جزو هیات نویسندگان مجله «صدف» نیز بوده است. وی در ۱۶ دی ماه ۱۳۶۳ زندگی را بدرود گفت.

آثار و تالیفات:

- سنگر و قمقه های خالی (۱۳۴۹)

- ملکوت

یحیی ریحان (سمیعان)

(۱۲۷۵-۱۳۶۳)

یحیی ریحان (سمیعان) اصفهانی الاصل و متولد ۱۲۷۵ تهران است. او قسمتی از دوران جوانی و تحصیل را در مشهد گذراند و از سال ۱۳۳۴ قمری به تهران منتقل شد و در وزارت مالیه به خدمت پرداخت. روزگار نویسندگی او در مقاله نویسی برای روزنامه های «شوق سرخ» و «ایران» و شرکت در مجمع دانشکده ملک الشعراء بهار گذشت. و از نویسندگان مجله دانشکده و از یاران گروه ادبای وقت (دشتی، نفیسی، بهار، اقبال، رشید یاسمی، عرفان...) بود. سال ۱۳۰۰ هـ ق سید ضیاء الدین طباطبایی او را در دارالمجانین تهران حبس کرد که حاصل آن داستانی شد به نام «یک شب در دارالمجانین». در دوران جنگ جهانی دوم به آمریکا رفت و قریب به سی سال در آن سرزمین زیست. آنچه در سرگذشت خویش و خاطرات گذشته نوشت و در مجله «یغما» به چاپ رسانید از یادگارهای خوب اوست. «باغچه ریحان» و «دیوان اشعار» و برگزیده ای که از آثار شاعران معاصر به چاپ رسانید از کارهای ادبی اوست. وی در اول اسفند ۱۳۶۳ درگذشت.

آثار داستانی:

- یک شب در دارالمجانین

داستانهای او به زبان فارسی است.
 علی مستوفی به سال ۱۳۶۵ در ژنو درگذشت.

مهدی حمیدی شیرازی

(۱۲۹۳-۲۳ تیر ۱۳۶۵)

مهدی حمیدی یکی از شاعران و قلم برداران معروف معاصر فرزند سید محمد حسن ثقة الاسلام به سال ۱۲۹۳ شمسی در شیراز به دنیا آمد. هنوز دو سال از سنش نگذشته بود که پدرش را از دست داد. پس از درگذشت پدر، در دامن تربیت مادری بالید که «مدرسه عفتیه» اولین مدرسه دختران را به طرز جدید در شیراز تأسیس کرده بود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه شعاعیه و دبیرستان سلطانی شیراز به انجام رسانید و سپس از سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۶ در شعبه ادبیات فارسی دانشسرای عالی به تکمیل تحصیلات پرداخت. چند سالی نیز به تدریس مشغول شد. سپس وارد دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی شد و سرانجام در سال ۱۳۲۸ با ارائه رساله «شعر فارسی در قرن سیزدهم» دکترای ادبیات خود را گرفت و به سمت استادی در دانشکده الهیات و معارف اسلامی (دانشگاه تهران) برگزیده شد. او در رشته تدریسی خود چند کتاب و مجموعه گزیده به نگارش درآورد.

وی در نظم و نثر آثار بسیار زیادی از خود برجای گذاشت و افزون بر شعر و شاعری، به داستان پردازی نیز علاقه مند بود. داستان «سالهای سیاه» (۱۳۲۵)، «عشق در بدر» و «مرگ» نشانگر این علاقه است.

مهدی حمیدی سرانجام در ۲۳ تیر ۱۳۶۵ در تهران درگذشت.

آثار و تالیفات:
 - از یاد رفته

- شکوفه ها یا نغمه های جدید (۱۳۱۷)

- پس از یک سال (۱۳۱۹)

- عشق در بدر (۱۳۱۹)

- عصیان (۱۳۲۱)

- شاعر در آسمان (۱۳۲۱)

- سبکسریهای قلم

- فرشتگان زمینی (۱۳۲۱)

- سالهای سیاه (۱۳۲۵)

- دریای گوهر ۳ جلد (۱۳۲۹)

- شاهکارهای فردوسی (۱۳۳۰)

- زمزمه بهشت (ترجمه) (۱۳۳۳)

- اشک معشوق (۱۳۳۳) (چاپ دوم)

- طلسم شکسته (۱۳۳۳)

- گمشده من (۱۳۳۷)

- بهشت سخن ۲ جلد (۱۳۳۷)

- کار بافک ها در سنگر (۱۳۳۹)

- بام ها و زیر بام ها (۱۳۳۰)

- کلاته گل (۱۳۴۰)

- ایلخچی (۱۳۳۲)

- لال بازیها (۱۳۳۴)

- عزاداران بیل (۱۳۴۵)

- خیابو یا مشکین شهر (۱۳۴۵)

- بهترین بابای دنیا (۱۳۴۵)

- چوب به دست های ورزشی (۱۳۴۵)

- گور و گهواره (۱۳۳۵)

- اهل هوا (۱۳۳۶)

- واژه های بی نام و نشان (۱۳۴۶)

- آی با کلاه آی بی کلاه (۱۳۴۶)

- ترس و لرز (۱۳۴۷)

- پنج نمایشنامه از انقلاب مشروطیت (۱۳۴۷)

- خانه روشن (۱۳۴۶)

- دندیل (۱۳۴۷)

- توپ (۱۳۴۸)

- دیکته و زاویه (۱۳۴۸)

- پرواربندان (۱۳۴۸)

- جانشین (۱۳۴۹)

- گمشده لب دریا (۱۳۴۹)

- ما نمی شنویم (۱۳۴۹)

- فصل کستاختی (۱۳۴۹)

- وای بر مغلوب (۱۳۴۹)

- چشم در برابر چشم (۱۳۵۰)

- گاو (۱۳۵۰)

- کلاته نان (۱۳۵۳)

- عاقبت قلم فرسایی (۱۳۵۳)

- ماه غسل (۱۳۵۷)

سال ۱۳۶۵

علی مستوفی

(۱۳۰۶-۱۳۶۵)

علی مستوفی (احمد صادق) نویسنده و مترجم در سال ۱۳۰۶ در رشت دیده به جهان گشود. پس از طی تحصیلات مقدماتی وارد دانشگاه تهران شد و توانست در رشته ادبیات فارغ التحصیل شود. کار ادبی علی مستوفی در نشریات حزبی آغاز شد. مستوفی از نویسندگان و مترجمان فعال و پرکار سالهای ۳۰-۱۳۲۰ به شمار می رود. وی در سال ۱۳۳۲ ایران را به مقصد ژنو ترک کرد و تا آخر عمر آنجا ماندگار شد.

سبک داستان نویسی مستوفی به ویژه در داستانهای رمانتیک و توصیف وقایع سیاسی روز متأثر از علوی بود. از آثار مستوفی: «خورشید می دمدم» و «سراب و امید» (۱۳۳۹) جزو انتشارات مجله کاوه در مونیخ مجموعه

- عروض حمیدی (۱۳۴۲)

- ده فرمان (۱۳۴۴)

- عطار در آثار گزیده، او و گزیده آثار او (۱۳۴۷)

- فنون و انواع شعر فارسی

- فنون شعر و کالبدهای یولادین آن (۱۳۶۳)

- شعر در عصر قاجار (۱۳۶۴)

...

کریم کشاورز

(۱۲۷۹ - ۱۸ آبان ۱۳۶۵)

کریم کشاورز مترجم نامدار ایرانی به سال ۱۲۷۹ در رشت به دنیا آمد. زندگی ادبی وی با ترجمه کردن رمان و داستان آغاز شد. وی با احاطه خاصی که به زبان روسی و فرانسه داشت، رمانها و داستانهای بسیار زیادی از نویسندگان روسی و فرانسوی به زبان فارسی ترجمه کرد. همچنین در قصه نویسی، خاطره نویسی و گردآوری قصه های محلی ذوق و مهارت فوق العاده ای داشت. کریم فرزند وکیل التجار یزدی بود. چون سالهایی چند هم به اجبار در یزد به صورت تبعید اقامت داشت، زبان گفتار و آداب یزدیان را خوب می شناخت و مقداری از قصه ها، متلها و آداب آنجا را گرد آورده و به چاپ رساند.

کشاورز ابتدا - از آغاز جوانی - به جریانهای سیاسی چپ پیوست ولی پس از بازگشت از خارک تنها به ترجمه و نوشتن پرداخت و از رزم و همزمانش کناره گرفت. چندی بعد از این امر، جزو هیات رئیسه 'نخستین کنگره' نویسندگان ایران گردید.

زبان فارسی تعدادی از برجسته ترین آثار ادبی و آثار ایران شناسی را مدیون ترجمه 'اوست. وی گزیده ای از نمونه های نثر فارسی را در ۵ جلد با عنوان هزارسال نثر پارسی گردآوری و به چاپ رساند. همچنین کتابهایی با عنوان «حسن صباح» «یادداشتهای سفر حسنک یزدی به گیلان» و خاطراتش از تبعید به جزیره خارک را برای نوجوانان به رشته تحریر درآورده است.

داستانهای مجموعه 'فی مدة المعلومه' (۱۳۵۵) حاصل دوران تبعید او در یزد است. این داستانها به خاطر کاربرد هنرمندانه آداب و رسوم و لهجه محلی، ارزشی اقلیمی دارند و توصیفی انتقادی از مناسبات اجتماعی سالهای ۳۰ - ۱۳۱۰ به شمار می آیند.

کریم کشاورز در ۸۵ سالگی پس از عمری فعالیت و خدمت به فرهنگ و ادب ایران در ۱۸ آبان ۱۳۶۵ درگذشت. این نویسنده و مترجم آثار فراوانی از خود به یادگار گذاشته که در اینجا به آثار ادبیات داستانی او اشاره می شود.

آثار و تالیفات: (ترجمه رمان)

- لنین، از گورکی (۱۳۲۳)

- روستاییان، روشناییها، داستان مرد ناشناس، از

چخوف (۱۳۲۳)

- دوپرووسکی، از پوشکین (۱۳۲۴)

- تاریکی گرتلی، از پرستلی (۱۳۲۴)

- بلا، از لرمانتوف (۱۳۲۵)

- دشمنان، از گورکی (۱۳۲۶)

- موضوع روسیه، کونستانتین، سیمونوف (۱۳۲۶)

- زارع شیکاگو، از مارک تواین (۱۳۲۹)

- دوران کودکی، از گورکی (۱۳۳۰)

- قهرمان دوران، از لرمانتوف (۱۳۳۱)

- امضاء مرموز، از سیمونوف (۱۳۳۱)

- لبخند بخت، از گی دوموپاسان (۱۳۳۱)

- خاطرات جنگ، از شارل دوگل (۱۳۳۲)

- کارد و طناب، از سیمونوف (۱۳۳۲)

- بازی مرگ، از استانی گاردنر (۱۳۳۲)

- شهریار کوهسار، ادمون آبو (۱۳۳۳)

- کودکی، نوباوگی، جوانی، از تولستوی (۱۳۳۵)

- عشق بی پیرایه، از وانداو اسیلوسکایا (۱۳۳۶)

- آشفالدونی، از کارولینا ماریا دژ روس (۱۳۵۱)

- وجدان گمشده، ترجمه داستانها از روسی (۱۳۵۵)

- قربانعلی بک و نه داستان دیگر، از محمدقلی زاده

(۱۳۵۵)

- باران سیاه، از ماسودزی اییوسه (۱۳۵۶)

سال ۱۳۶۶

علی اصغر نصیریان

(- بهمن ۱۳۶۶)

علی اصغر نصیریان از کارمندان پیشین اداره انتشارات دانشگاه تهران بود که در کار غلط گیری بسیاری از کتابهای آن سلسله، به ویژه کتابهای پزشکی رنج بسیاری برد. چند سال هم زحمت امور چاپی مجله «راهنمای کتاب» را با علاقه مندی و صمیمیت متحمل شد. در پایان زندگی اداری، چندی سرپرستی اداره روابط عمومی دانشگاه تهران را برعهده داشت. نصیریان به نویسندگی نیز علاقه داشت. از وی دو رمان به یادگار مانده است:

رمان «شراره» (۱۳۲۹) - رمان «پنج امضاء» (۱۳۳۰).

علی نصیریان اواخر بهمن ۱۳۶۶ برای معالجه بیماری

قلبی به اروپا رفت و در آنجا درگذشت.

مهدی سهیلی

(۱۳۰۳ - ۱۳۶۶)

مهدی سهیلی از شاعران و نویسندگان معاصر به سال ۱۳۰۳ در تهران به دنیا آمد. از سال ۱۳۲۳ همکاری خود را با مطبوعات آغاز کرد و در ۱۳۲۹ به فعالیتهای هنری پرداخت که از سال ۱۳۲۹ در رادیو ایران، برنامه مشاعره

(۱۲۹۵ - ۹ اردیبهشت ۱۳۶۸)

احسان طبری نویسنده 'معاصر و نظریه پرداز حزب توده، فرزند حسین طبری به سال ۱۲۹۵ هـ. ش در شهرستان ساری به دنیا آمد. دوره کودکی، نونهالی و تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش گذراند.

در دوره تحصیل دبیرستان و دانشکده (در تهران) به گروه پیروان و همفکران دکتر تقی ارانی پیوست و با مکتب مادیگری و مبانی مقدماتی سوسیالیسم و کمونیسم آشنا شد و در پی آن در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۱۶ همراه پنجاه و دو تن دیگر، در بیست و یک سالگی به زندان افتاد و در ۱۳۱۹ به اراک تبعید شد و پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ آزادی یافت و چون گروهی از همان یاران زندان با جمعی دیگر حزب توده را تشکیل دادند او هم عضویت آن حزب را پذیرفت و از فعالان آن درآمد. در میانه آن جمع یکی از چند تنی بود که ذوق سرشار ادبی و شور کتابخوانی و هنر نویسندگی داشت. و در نگاهش روزنامه ها و نشریات حزبی پیشگامی گرفت. از آن جمله مجله ماهانه «مردم» به سردبیری او نشر می شد (از ۱۳۲۵ - ۱۳۲۷). با غیرقانونی اعلام شدن حزب توده طبری به مانند جمعی دیگر از افراد حزب از ایران رفت و قریب سی سال روزگار کارآوری و توانایی جسمانی او در غربت و آوارگی از وطن در شوروی و آلمان شرقی گذشت.

با انقلاب اسلامی ایران در نیمه دوم سال ۱۳۵۷ به وطن بازگشت و باز به فعالیت سیاسی و حزبی پرداخت. تا اینکه در اواخر پاییز ۱۳۶۰ به زندان افتاد و در نهم اردیبهشت ۱۳۶۸ درگذشت. احسان طبری نویسنده افسانه های تمثیلی هم بود که از اساطیر و افسانه های اروپایی بهره می جست و نثر شبه کلاسیک او مورد تقلید افسانه نویسان بعدی قرار گرفت.

طبری آثار و تالیفات فراوانی از خود به یادگار گذاشته است.

زین العابدین رهنما

(۱۲۶۷ - ۱۲ تیر ۱۳۶۸)

زین العابدین رهنما فرزند شیخ العراقین مازندرانی در سال ۱۲۶۷ هـ. ش در نجف دیده به جهان گشود. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی به ایران آمد و به روزنامه نگاری و نویسندگی پرداخت و یکی از اعضای حزب دموکرات و مدیر روزنامه رهنما، سپس مدیر روزنامه نیمه رسمی «ایران» گردید.

رهنما در جریانات سیاسی ایران فعالیت می کرد و به نمایندگی مجلس، معاونت وزارت طرق، معاونت وزارت کشور، معاونت نخست وزیری، ریاست اداره کل تبلیغات، وزیر مختاری در فرانسه و سفیری در سوریه و لبنان رسید.

را اداره می کرد. عمده فعالیتش نویسندگی نمایشهای انتقادی و طنزآمیز بود. افزون بر آن نویسندگی و مجری گری برنامه های بزم شاعران و کاروانی از شعر و موسیقی را بر عهده داشت.

از سال ۱۳۳۷ فعالیت خود را در سینما آغاز کرد. شهرت سهیلی بیشتر در شعر و شاعری است تا نویسنده بودن داستان. و چندین کتاب شعر از خود به یادگار گذاشته. ولی به خاطر علاقه اش به داستان، چندین داستان زیبا نیز خلق کرده است.

مهدی سهیلی سرانجام در سال ۱۳۶۶ دار فانی را وداع گفت.

آثار داستانی:

- دزد ناشی که به کاهدان زد (۱۳۳۵).

- سردبیر گنج (۱۳۳۱)

- خاطرات یک سگ (۱۳۳۳).

رضا بابامقدم

(۱۲۹۲ - ۱۳۶۶)

رضا بابامقدم نویسنده و داستان نویس معاصر در سال ۱۲۹۲ در تهران دیده به جهان گشود و پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در رشته حقوق دانشگاه تهران کسب تحصیل نمود. وی از همان زمان علاقه مندی خاصی به نوشتن داستان داشت و اغلب داستانهایش را پیش از انتشار به صورت مجموعه داستان، در مجله «سخن» چاپ می کرد. سبک داستان نویسی بابامقدم همان سبک صادق هدایت است. در واقع بابامقدم پیرو خط مشی داستان نویسی هدایت به شمار می رود چرا که وقایع داستانهایش در فضایی اضطراب آور و نومیدکننده رخ می دهد.

اولین داستانش که به صورت کتاب به چاپ رسید، مجموعه «عقاب تنها» (۱۳۳۷) بود که تمامی وقایع این مجموعه بر فرانسه اتفاق افتاده است. داستانهای بعدی اش مانند «بچه های خدا» (۱۳۳۵) و «اسب» (۱۳۳۸) که حول همدردی با مردم فقیر و حیوانات می گردند در تهران قدیم به وقوع می پیوندد.

و آثاری نیز از فرانسوازا ساکان، کافکا و ژان روسلو ترجمه کرده است.

رضا بابامقدم در ۷۲ سالگی در آمریکا درگذشت.

آثار و تالیفات:

- عقاب تنها، مجموعه داستان، (۱۳۳۷)

- بچه های خدا (۱۳۳۵)

- اسب (۱۳۳۸)

سال ۱۳۶۸

احسان طبری

وی مدتی نیز با اتهام دسیسه علیه رژیم پهلوی به عراق تبعید شد و در بیروت سکنا گزید.

زین العابدین رهنما نویسنده داستان تاریخی - مذهبی «پیامبر» (۱۳۱۶) است که این داستان حدود بیست بار به چاپ رسیده و خلاصه ای از آن نیز به زبان فرانسه ترجمه شد.

رهنما در ۱۲ تیر ۱۳۶۸ در تهران درگذشت.

آثار:

- امام حسین (ع)
- حقوق در اسلام (ترجمه)
- ترجمه و تفسیر قرآن.
- ژاله (داستان اجتماعی).

عباس یمینی شریف

(تهران ۱۲۹۸ - ۲۸ آذر ۱۳۶۸)

عباس یمینی شریف، شاعر معاصر که بیشتر برای ادبیات کودکان و نوجوانان شعر سروده به سال ۱۲۹۸ در تهران به دنیا آمد. تحصیلات عالی خود را در دانشسرای عالی به پایان برد. وی از همان زمان به سرودن شعر برای کودکان پرداخت. نخستین شعرش در مجله 'سخن' به چاپ رسید. پس از آن مجلات 'دانش آموز' و 'کیهان بچه ها' را (۱۳۳۵-۱۳۵۸) اداره می کرد. با تأسیس مدرسه 'روش نو' در سال ۱۳۳۳ شهرتی بسزا یافت. یمینی شریف داستانی نیز با عنوان 'دوکدخدا' (۱۳۲۹) از خود به یادگار گذاشته است. عباس یمینی شریف در ۲۸ آذر ۱۳۶۸ در تهران از دنیا رفت.

منوچهر محبوبی

(۱۳۱۵ - ۱۳۶۸)

روزنامه نگار و طنزنویس بود و پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به نویسندگی پرداخت. آثار چاپ شده زیر از اوست: «قدر یک لبخند»، «خانه نینو» (ترجمه)، «تا کمرگاه درخت» (ترجمه)، سریال «خانه قمر خانم». او در سال ۱۳۶۸ در لندن درگذشت.

سال ۱۳۶۹

مهدی اخوان ثالث

(۱۳۰۷ - ۴ شهریور ۱۳۶۹)

مهدی اخوان ثالث (م. امید) شاعر معروف به سال ۱۳۰۷ در مشهد دیده به دنیا گشود. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش به پایان رساند و سال ۱۳۲۷ در تهران ساکن شد و به کارهایی از قبیل معلمی در روستاها و دبیری در پایتخت، کار در زمینه 'دوبله' فیلمهای مستند و نویسندگی و شاعری پرداخت. نخستین مجموعه شعرش با عنوان

«ارغنون» در سال ۱۳۳۰ به چاپ رسید. چندی در رادیو مشغول به کار شد. سال ۱۳۳۸ به آبادان عزیمت کرد و در تلویزیون آنجا شروع به کار کرد. بعد از پنج سال فعالیت به تهران بازگشت و سال ۱۳۵۶ مدرس دانشگاه شد. دو سال بعد در سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی به فعالیت پرداخت تا اینکه در سال ۱۳۶۰ بازنشسته شد. چند سفر خارجی به آلمان، انگلیس، سوئد، نروژ و دانمارک داشت.

اخوان تا هنگام مرگ ده مجموعه شعر دیگر به چاپ رساند. وی شاعری توانا، خوش قریحه و نویسنده ای محقق بود. به داستان نیز علاقه مند بود و در این زمینه نیز فعالیتهایی داشته است.

مهدی اخوان ثالث سرانجام در ۴ شهریور ۱۳۶۹ در بیمارستان مهر تهران از دنیا رفت. آثار داستانی:

- مرد جن زده، مجموعه چهار داستان (۱۳۵۴).
- درخت پیر و جنگل (۱۳۵۵).

جهانگیر تفضلی

(۱۲۹۳ - ۱۳۶۹)

جهانگیر تفضلی در سال ۱۲۹۳ دیده به جهان گشود. دوره دانشسرای عالی را در رشته ادبیات به پایان رساند و پس از شهریور ۱۳۲۰ به نویسندگی سیاسی پرداخت و اغلب با نامهای مستعار «مازیار»، «آسمان»، «نگین»، «رامین» در روزنامه ها و به ویژه روزنامه بیکار (ناشر افکار حزب بیکار) مقاله می نوشت. پس از آن اجازه انتشار روزنامه معروف «ایران ما» را گرفت. ایران ما روزنامه ای مشهور و برخوردار بود. جریده ای وابسته به جناح چپ که پس از کودتا به ارگان ارتش و دربار تبدیل شد.

بعدها همراه قوام السلطنه به مسکو رفت و چندی معاون هژیر (نخست وزیر در دوره نهضت ملی) شد. سبک داستان نویسی تفضلی بیشتر به شیوه علی دشتی نزدیک است. وی بیشتر به نوشتن داستانهای عاشقانه تمایل داشت.

تفضلی اندکی بعد به ریاست اداره تبلیغات و سرپرستی دانشجویان در اروپا و وکالت مجلس از طرف مردم زابل در دوره نخست وزیری زاهدی و وزارت و سفارت افغانستان و الجزایر رسید.

جهانگیر تفضلی اوایل سال ۱۳۶۹ دیده از جهان فروبست.

داستانهایی که از او به چاپ رسیده:

- بر روی شنهای ساحل.

- هابیده.

و نیز مجموعه شعری با نام:

- زهره.

زهرآ خانلری (کیا)

(۱۲۹۳-۱۳۶۹)

زهرآ خانلری (کیا)، محقق ادبیات کلاسیک ایران در سال ۱۲۹۳ دیده به جهان گشود. پس از طی تحصیلات مقدماتی وارد دانشسرای عالی شده، در رشته ادبیات درس خواند و توانست با ارائه رساله «سبک ادبی تواریخ تا قرن نهم هجری» دکترای ادبیات فارسی را دریافت نماید. وی سالها در دبیرستانهای دخترانه و دانشگاه به تدریس پرداخت. چندی بعد زهرآ خانلری با پرویز ناتل خانلری ازدواج کرد.

زهرآ خانلری مترجم چندین رمان و نویسنده مجموعه ای با عنوان داستانهای دل انگیز ادب فارسی پس از عمری خدمت به فرهنگ و ادبیات ایران سرانجام در ۶ اسفند سال ۱۳۶۹ چشم از جهان فرو بست.

آثار و تالیفات:

- ژاله یا رهبر دوشیزگان، (۱۳۱۵)

- رنجهای جوانی و رتر از آندره موروا، (۱۳۲۲)

- شبهای روشن، از داستایفسکی، (۱۳۲۴)

- بیست داستان، از پیراندلویچی، (۱۳۳۵)

- داستانهای دل انگیز ادبیات فارسی، (۱۳۳۷)

- دنیای خیال، از آندره موروا، (۱۳۴۷)

- افسانه سیمرغ، برای کودکان، (۱۳۴۸)

علی اکبر مهران

(۱۲۸۴ - بهمن ۱۳۶۹)

علی اکبر مهران در سال ۱۲۸۴ به دنیا آمد. تحصیلات خود را در دارالمعلمین عالی به پایان رساند و از سال ۱۳۱۰ به خدمت وزارت معارف درآمد. سالهای چندی امور معارف خوزستان و مدرسه علمیه و سپس ریاست فرهنگ تهران را برعهده داشت. وی علاقه مند به شعر بود و گهگاهی به شعر گفتن می پرداخت. علی اکبر مهران همچنین مدت ۱۰ سال سرپرستی دانشجویان در کشورهای سوئیس و بلژیک را عهده دار بود.

از وی رمانی با عنوان «عشق پروین» به یادگار مانده است.

تاریخ درگذشت مهران بهمن ۱۳۶۹ بوده است.

سال ۱۳۷۰

ایرج جهانشاهی

(۱۳۰۶ - ۱۳۷۰)

ایرج جهانشاهی دارای لیسانس تاریخ و جغرافیا و فوق لیسانس علوم اجتماعی از دانشگاه تهران بود. چند سال آموزگاری و سپس دبیری و ریاست دبیرستان و چند

مقام مهم در فرهنگ را برعهده داشت.

شایسته ترین خدمت او مرکز تهیه خواندنیهای نوسوادان بود که بعدها به «مرکز انتشارات آموزشی» تغییر نام یافت. نشر مجله های خوب و نامور بیک کودک، بیک معلم و خانواده از ابتکارهای او بود. چندی هم مدیریت مجله آموزش و پرورش را به عهده داشت. کتابهای «بخوانیم و بنویسیم» هم یادگار اوست. وی در سال ۱۳۷۰ دیده از جهان فرو بست.

آثار و تالیفات:

- از گلهای وحشی (۱۳۲۵)

- شاخهای ملوس (۱۳۴۵)

- در کلاس درس (۱۳۶۱)

- قلم موی جانو (۱۳۶۲)

- چشم چشم دو ابرو (۱۳۶۲)

- بازیهای ورزشی (۱۳۶۳)

- قصه های من و بابام

سبکتکین سالور

(۱۳۰۲ - آذر ۱۳۷۰)

سبکتکین سالور روزنامه نگار و نویسنده در سال ۱۳۰۲ به دنیا آمد. در دانشگاه تهران در رشته تاریخ و جغرافیا و ادبیات فارسی تحصیل کرد. زندگی فرهنگی و ادبی او با نگارش مقالات در مجله «صبا» آغاز شد. وی با اسامی مستعار: سنجر، سحر و صحراگرد برای مجلات مطلب می نوشت. در داستان بردازی تاریخی ماهر بود و داستانهای کوتاهی نیز از نویسندگان فرانسوی ترجمه کرد. کتابهای تاریخی چندی نوشت و پاورقیهای تاریخی اش در نشریات وابسته به روزنامه اطلاعات از جمله مجله «جوانان امروز» به چاپ می رسید. سبکتکین سالور در ۸ نوامبر ۱۹۹۱ (آذر ۱۳۷۰) در کانادا دیده از جهان فرو بست.

آثار:

- مردی از جنوب (۱۳۳۶)

- نسل شجاعان (۱۳۳۷)

- کشاکش، گرشاسب (۱۳۳۳)

- دلاور (۱۳۵۵)

- قربانگاه

- در زنجیر

- کشایش

سال ۱۳۷۱

ابوالقاسم حالت

(۱۲۹۸ - ۲۳ آبان ۱۳۷۱)

ابوالقاسم حالت شاعر و فکاهی نویسنده به سال ۱۲۹۸

در تهران به دنیا آمد. از سال ۱۳۱۴ به شاعری پرداخت و اشعارش نخست در روزنامه 'فکاهی' توفیق به چاپ رسید (۱۳۱۷). همکاری او با این روزنامه تا تعطیلی آن ادامه داشت. پس از شهریور ۱۳۲۰ شعرها و نوشته های طنزش در روزنامه های آیین اسلام، ایران، کیهان، اطلاعات هفتگی، سپید و سیاه به چاپ رسیده است.

خدمت اداری حالت در شرکت نفت ایران و انگلیس و سپس شرکت ملی نفت گذشت. ده سال در آبادان بود و روزنامه های «خبرهای روز» و «اخبار هفته» که از نشریات آن شرکت بود با همکاری قلمی او نشر می شد. بعدها در تهران مدیر مجله «صنعت نفت» شرکت ملی نفت و چندی رئیس اداره 'مطبوعاتی آنجا بود تا اینکه در سال ۱۳۵۲ بازنشسته شد. وی چند داستان کوتاه فکاهی را تحت عنوان «رقص کوسه» منتشر کرده است. ابوالقاسم حالت سرانجام پس از عمری فعالیت فرهنگی ادبی در سوم آبان ۱۳۷۱ در تهران به آرامش ابدی دست یافت.

آثار:

- دیوان حالت.
- پروانه و شبنم (شامل قصاید اخلاقی و عرفانی).
- کلیات سعدی (با ترجمه اشعار عربی آن به فارسی).
- تذکره شاهان شاعر.

طنز و فکاهی:

- گلزار خنده.
- فکاهیات حالت (دوجلد).
- دیوان ابوالعینک.
- دیوان شوخ.
- دیوان خروس لاری.
- بحر طویلهای هدهد میرزا.
- عیالوار.
- رقص کوسه (بیست داستان کوتاه).
- مقالات طنزآمیز (هشت جلد با نامهای: از عصر شتر تا عصر موتور - از بیمارستان تا تیمارستان - زباله ها و نخاله ها - پابوسی و چابلوسی - صدای پای عزرائیل - یامفت یامفت - دوره، دوره، خرسواری است - آتش کشک خالته بخوری پاته نخوری پاته).

ترجمه از عربی:

- فروغ بینش یا سخنان محمد (ص).
- شکوفه های خرد یا سخنان علی (ع).
- راه رستکاری یا سخنان حسین (ع).
- کلمات قصار علی بن ابی طالب علیه السلام.
- کلمات قصار حسین بن علی علیه السلام.
- تاریخ کامل ابن اثیر (ده جلد).

ترجمه از انگلیسی:

- تاریخ فتوحات مغول. از ج. ج. ساندروز.
- تاریخ تجارت از اریک سیمونز.
- ناپلئون در تبعید. خاطرات ژنرال برتران. تنظیم پل فلوریو دو لانگل.
- زندگی من. از مارک تواین.
- زندگی بر روی می سی سی پی از مارک تواین.
- پیشروان موشک سازی از بریل ویلیامز.
- بهار زندگی از گلاریس هاستی کارول.
- جادوگر شهر زمره. مؤسسه 'ال، فرانک باوم.
- بازگشت به شهر زمره. نوشته 'ال. فرانک باوم.

سال ۱۳۷۲

هادی باباگیلک

(۱۳۰۴ - ۱۱ آبان ۱۳۷۲)

هادی باباگیلک یکی از داستان نویسان معروف در جنوب شهر قزوین (محلّه 'دباغان) به دنیا آمد. وی زندگی پرماجرایی داشت. در چهل سالگی در پاسخ به نیاز درونی اش خواندن و نوشتن را فراگرفت و از همان زمان کار داستان نویسی را آغاز کرد.

از باباگیلک دو کتاب داستان چاپ شده است، یکی «خاطرات چهل سال بیسوادی» و دیگری «تابستان تفرقه زدگان». در داستان خاطرات چهل سال بیسوادی (۱۳۴۶) که داستانی زندگینامه ای است، نوجوانی بی گناه به اتهام گناه ناکرده زندانی می شود، پس از آزادی شهرهای گوناگون را زیرپا می گذارد و به کارهای مختلفی روی می آورد. تا اینکه در چهل سالگی باسواد می شود. این داستان شرح زندگی و احوالات خود نویسنده در قالب داستان است.

هادی باباگیلک در یازدهم آبان ۱۳۷۲ دیده از جهان فرو بست.

آثار:

- خاطرات چهل سال بیسوادی
- تابستان تفرقه زدگان

علی اکبر کسمایی

(۱۲۹۹ - ۱۶ بهمن ۱۳۷۲)

علی اکبر کسمایی روزنامه نگار، مترجم و نویسنده بنام ایران در سال ۱۲۹۹ در تهران به دنیا آمد و پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در رشته معقول و منقول (الهیات) لیسانس گرفت و برای ادامه تحصیل در رشته روزنامه نگاری به مصر رفت. این فرصتی بود تا هم با استادان نامدار مصری مثل طه حسین، توفیق الحکیم و عباس عقاد آشنا شود و هم در زبان و ادب عرب تجرّز یابد.

وی پس از بازگشت به ایران در زمینه های روزنامه نگاری و نویسندگی به فعالیت پرداخت. کار مطبوعاتی اش را با روزنامه اطلاعات آغاز نمود.

مجله 'امید'، مقالات انتقادی وی را چاپ می کرد. این مقالات موجب شد تا شهرت نویسندگی علی اکبر زیادتر شود. کسمایی مدتی نیز سردبیر مجلات صبا و وحید بود اما همکاری دائمی با روزنامه 'اطلاعات' داشت که تا پایان عمرش ادامه یافت. وی به سه زبان فرانسه، انگلیسی، عربی تسلط داشت. و افزون بر آثار تالیفی اش چند کتاب نیز از این زبانها به فارسی ترجمه کرده. مجموع آثار بازمانده از کسمایی را ۶۵ عنوان نوشته اند. وی سرانجام در شانزده بهمن ۱۳۷۲ دیده از جهان فرو بست.

آثار:

- جهنم درّه (۱۳۲۶).

- بریچه‌رگان تاریخ، زیبا حسود (۱۳۳۳).

- در قفس (۱۳۵۵).

کتاب اخیر که نوعی زندگینامه 'غیرمستقیم' است برشهایی از دوران کودکی و جوانی خود نویسنده می باشد.

سال ۱۳۷۳

احمد سهیلی خوانساری

(۱۲۹۱ - تهران ۱۳۷۳)

احمد سهیلی خوانساری فرزند مرحوم غلامرضا خوانساری است. جمعی از اسلافش در کارهای مربوط به طبع و نشر کتاب از خادمان بودند. خود او سالهای دراز کتابخانه ملی ملک را اداره کرد و در گردآوری نسخ خطی آنجا اهتمامی بلیغ مبذول داشت. خبرگی و بصیرت او موجب آن شد که نسخه های واجد اهمیتی به آنجا تعلق گرفت. سهیلی شاعر بود و خوش نویس و هنرشناس و به مناسبت سالهای درازی که با آثار عتیقه آشنایی گرفته بود، در این رشته از متخصصان و متبحران به شمار می آمد. در زمینه تحقیق و طبع متون ادبی هم رنج زیاد برد. از آثار او: «حصارنای»، «محمود و ایاز»، «دیوان حافظ» و ... داستان «محمود و ایاز» سهیلی موجب شهرت او شد. وی در نیمه اول سال ۱۳۷۳ دیده از جهان بریست.

سال ۱۳۷۴

احمد میرعلایی

(۱۳۲۱ - آبان ۱۳۷۴)

احمد میرعلایی مترجم پرکار در سال ۱۳۲۱ در اصفهان متولد شد. سال ۱۳۴۲ از دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان در رشته زبان انگلیسی لیسانس و در سال ۱۳۴۶ از

دانشگاه لیدز انگلستان فوق لیسانس گرفت. تدریس ادبیات انگلیسی و فارسی در دانشگاهها، ویراستاری و سردبیری کتاب امروز، فرهنگ و زندگی، آیندگان ادبی و جنگ اصفهان و سرپرستی خانه فرهنگ ایران در لاهور و کراچی مشاغل او بود و در کنار اینها آثار متعددی را به زبان فارسی ترجمه کرد.

احمد میرعلایی سرانجام در آبان ۱۳۷۴ از دنیا رفت.

آثار و تالیفات:

- وایتینگ، جان. شیاطین (نمایشنامه)، تهران: کتاب زمان (۱۳۴۸)

- بورخس، خورخه لوئیس. ویرانه های مدور، تهران: کتاب زمان (۱۳۴۹)

- باز، اکتاویو. سنگ آفتاب (شعر). تهران: کتاب زمان (۱۳۵۰)

- فلمینگ، یان. جیتی جیتی بنگ بنگ (کودکان). تهران: پیوند (۱۳۵۰)

- مور، ای. تی. ای. ام. فارستر (نقد آثار). تهران: جیبی (۱۳۵۰)

- بورخس، خورخه لوئیس. الف و داستانهای دیگر. تهران: پیام (۱۳۵۱)

- خلیفه، عبدالحکیم. عرفان مولوی (با همکاری دکتر احمد محمدی). تهران: شورای عالی فرهنگ (۱۳۵۲)

- مریل، جین. اسب عالی (کودکان). تهران: بانک صادرات ایران (۱۳۵۲)

- باز، اکتاویو و دیگران. درباره ادبیات. تهران: کتاب زمان (۱۳۵۳)

- بورخس، خورخه لوئیس. هزار توها. تهران: کتاب زمان (۱۳۵۵)

- کلیننگ، ویلیام. خدای عقرب. تهران: کتاب زمان (۱۳۵۵)

- پیر، هانری. ژان پل سارتر (با همکاری ابوالحسن نجفی). تهران: کتاب زمان، (۱۳۵۵)

- گرین، گراهام. کنسول افتخاری. تهران: کتاب زمان (۱۳۵۶)

- فارستر، ای. ام و دیگران. طوق طلا (مجموعه داستان). تهران: آگاه (۱۳۵۶)

- باز، اکتاویو. کودکان آب و گل (نقد ادبی). تهران: کتاب آزاد (۱۳۶۱)

- نایبول، وی. اس. هند، تمدن مجروح. تهران: فاریاب (۱۳۶۲)

- کونترا، میلان. کلاه کلمنتیس. تهران: دماوند (۱۳۶۲)

- کنراد، جوزف. از چشم غربی. تهران: کتاب زمان (۱۳۶۳)

- گرین، گراهام. عامل انسانی. تهران: نشر رضا (۱۳۶۵)
 - بورخس، خورخه لوئیس. مرگ و پرگار. تهران: فاریاب (۱۳۶۴)
 - بورخس، خورخه لوئیس. باغ گذرگاههای هزارپیچ. تهران: نشر رضا، (۱۳۶۸)^(۱)

۱. جهان کتاب، سال اول، آبان ۱۳۷۴، ش ۲، ص ۱۵.

سال ۱۳۷۵

علی اصغر مهاجر

(۱۳۰۱ - نیمه دوم اردیبهشت ۱۳۷۵)

علی اصغر مهاجر نویسنده و مترجم در سال ۱۳۰۱ در تهران به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات متوسطه در وزارت دارایی استخدام شد و در سال ۱۳۲۵ از دانشکده حقوق دانشگاه تهران فارغ التحصیل گردید. در سال ۱۳۳۵ به خدمت مؤسسه انتشارات فرانکلین درآمد و آخرین رئیس این مدرسه بود. وی مدتی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در صدد تاسیس یک مؤسسه انتشاراتی به نام «نومرز» برآمد که البته شکل نگرفت. از مهاجر چند ترجمه به جا مانده است اما شاید مهمترین اثر او سفرنامه ای است با عنوان «زیرآسمان کویر» که در آن ذوق و قدرت نویسندگی وی آشکار است. علی اصغر مهاجر در نیمه دوم اردیبهشت ۱۳۷۵ از دنیا رفت.^(۱)

آثار:

- عاشق مترسک اثر فیلیس هستینگز (ترجمه)

- آتشفشان و زلزله (ترجمه)

- ترجمه «کمال آتاتورک» در کتاب «مردان

خودساخته»

- ترجمه «ننگ اهریمنی اثر هنری جیمز

و ...

۱. جهان کتاب، سال اول، خرداد ۱۳۷۵، ش ۱۵ و ۱۴، ص ۳۲.

غزاله (ناظمه) علیزاده

(۱۳۲۳ - اردیبهشت ۱۳۷۵)

غزاله علیزاده داستان نویس معاصر در زمستان سال ۱۳۲۳ در شهر مشهد به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و مقدماتی را در شهر و زادگاه خود سپری کرد، به نویسندگی علاقه داشت و از پانزده سالگی اغلب نوشته هایش در مجلات آن زمان چاپ می شد. چندی بعد وارد دانشگاه تهران شد و در رشته حقوق و علوم سیاسی ادامه تحصیل داد. نخستین داستانش در روزنامه خراسان منتشر شد. سال ۱۳۵۵ اولین کتابش با نام «سفر ناگذشتنی» به چاپ رسید و یک سال بعد داستان بلند «بعد از تابستان» را منتشر ساخت.

از نوشته های دیگر علیزاده می توان از داستان بلند «دومنظره». نام برد که نگاه علیزاده در این رمان نگاه رئالیستی است به جهانی آرمانگرا. رمان «خانه ادیسیها» حکایت خانه ای در اوایل قرن در عشق آباد است. روایتی است رئالیستی از سرنوشت افسان پیرامونی. از غزاله علیزاده سه دختر به نامهای سلمی، سمیه و سمانه به یادگار مانده است. وی روز جمعه بیست و یکم اردیبهشت ۷۵ در جنگلهای منطقه جواهرده در نزدیکی رامسر با طناب خود را حلق آویز کرد.

آثار:

- دو منظره.

- خانه ادیسیها. (۲ جلدی).

- چهارراه.

- بعد از تابستان.

فرامرز بزرگر

(۱۳۰۹ - اواخر مرداد ۱۳۷۵)

فرامرز بزرگر، روزنامه نگار و مترجم در سال ۱۳۰۹ دیده به دنیا گشود. وی لیسانس ادبیات و علوم تربیتی بود. کار مطبوعاتی را از سال ۱۳۴۲ آغاز کرد و سردبیر چند مجله شد.

بزرگر آثار متعددی را از نویسندگان معروف ترجمه کرده است از جمله: «پسر آفتاب و آشتی ناپذیر» از جک لندن، «رنج» اثر فرانسوا موریاک، «گناهکار کیست؟» اثر آگاتا کریستی، «مرگ» اثر موریس متلینگ و «وفای زن» اثر سامرست موم. از وی مطالبی نیز با نامهای مستعار عباس بهرام، فرخ بهروز و شاهرخ ارشاد چاپ شده است. فرامرز بزرگر در اواخر مرداد ۱۳۷۵ از دنیا رفت.

۱. جهان کتاب، سال اول، شهریور ۱۳۷۵، ش ۲۰ و ۲۱، ص ۲۲.

سروژ استپانیان

(۱۳۰۸ - باکو - ۲۷ آبان ۱۳۷۵)

سروژ استپانیان مترجم چندین رمان در سال ۱۳۰۷ در خانواده ای ارمنی (مهاجر از روسیه) به دنیا آمد. در دوره جوانی به فعالیت سیاسی پرداخت و مدتی زندانی شد. استپانیان به زبان روسی تسلط داشت و کار ترجمه را در زندان آغاز کرد. او از طریق مقاطعه کاری ساختمان گذران زندگی می کرد و در کنار آن به ترجمه نیز می پرداخت. «ماجراهای حیرت انگیز بارون ها و زن»، «زندگی در گور»، اثر استراتیس سیریویلیس (۱۳۴۵)، «شطرنج و تئوری آن» نوشته مایزلیس (۱۳۴۰)، «شطرنج: مرحله وسط بازی» نوشته A. سونتسین

(۱۳۵۲) «گذر از رنجه» اثر آلكسى تولستوى (۱۳۵۹)،
 «بچه های آریات» و مجموعه آثار چخوف (انتشارات توس،
 ۲ - ۱۳۷۱) از ترجمه های اوست. وی، ترجمه 'مجموعه'
 آثار برانسلو نوشیچ و یک مجموعه 'ده جلدی شطرنج در
 کارنامه' خود دارد.
 استبانیان در سی ام آبان ۱۳۷۵ از دنیا رفت.

بزرگ علوی

(۱۳۸۲ - ۲۸ بهمن ۱۳۷۵ - برلن)

بزرگ علوی داستان نویس شهیر ایران و یکی از
 پیشگامان معروف داستان کوتاه نویسی به سبک اروپایی
 در ۱۲۸۳ در تهران به دنیا آمد. پدرش حاج سیدابوالحسن
 تاجرزاده، آزادی طلب و مشروطه خواه بود.

علوی تحصیلات عالی خود را در آلمان طی کرد و
 دوباره به ایران بازگشت تا به تدریس و نویسندگی
 بپردازد. آشنایی او با صادق هدایت باعث شد
 علاقه مندی اش به نویسندگی مخصوصاً داستان نویسی
 بیشتر شود. به گونه ای که سه سال بعد همراه با شین،
 پرتو مجموعه 'انیران' شامل داستانهایی درباره' هجوم
 مغول و اسکندر و اعراب به ایران را منتشر کرد.

بزرگ علوی نویسنده ای چند بعدی بود و دست کم در
 سه بعد فعالیت گسترده ای انجام داد: هنری و
 داستان نویسی، ادبی و پژوهشی. سال ۱۳۱۳ مجموعه
 داستان 'چمدان' را متأثر از آثار هدایت و روانکاوای فروید
 انتشار داد. داستان کوتاه نویسی با زندگی اش عجین شده
 بود و به گونه ای درمان دردهای درونی اش به شمار
 می رفت. از این رو در سخت ترین شرایط خود را به خطر
 می انداخت و به داستان نویسی می پرداخت.

سال ۱۳۱۶ با تقی ارنانی آشنا شد. بعد سیاسی اش
 همکاری با نویسندگان مجله 'دنیا و زندانی شدنش به
 همراه ۵۳ نفر بود. وی در این واقعه به هفت سال زندان
 محکوم شد.

در آثاری که پس از آزادی به چاپ رساند گرایش
 خاصی به واقع گرایی انتقادی داشت. سال ۱۳۲۰ «ورق
 پاره های زندان» را منتشر کرد. «پنجاه و سه نفر» علوی
 گزارشی از دوران زندان و تصویری گویا از روشنفکران
 دوره 'رضاشاه است. اغلب آثارش در مجله 'پیام نو، سخن
 و مردم به چاپ می رسید. وی همچنین از بانیان تشکیل
 نخستین کنگره نویسندگان ایران به شمار می آید.

سال ۱۳۳۱ برای شرکت در کنگره ای در یکی از
 کشورهای خارج، از ایران رفت ولی با وقوع کودتای ۲۸
 مرداد مجبور به اقامت در اروپا شد و دیگر باز نگشت.
 علوی مدتها استاد دانشگاه هومبولت آلمان شرقی بود. وی
 بسیاری از آثار هدایت را به آلمانی ترجمه کرده و نیز کتاب
 «تاریخ ادبیات معاصر فارسی» را به آلمانی نوشته است.

بزرگ علوی در ۲۸ بهمن ۱۳۷۵ در شهر برلن دنیا را
 ترک کرد.

آثار و داستانها:

- چمدان (۱۳۱۳)

- ورق پاره های زندان (۱۳۲۰)

- اوزبکها (۱۳۲۷)

- چشمهایش (۱۳۳۱)

- میرزا (۱۳۲۷)

- پنجاه و سه نفر (بی تاریخ)

- سالاریها (۱۳۵۲)

- دیو، دیو (۱۳۵۷)

- نامه ها (بی تاریخ)

و ...

- ترجمه 'باغ آلبالو اثر چخوف (۱۳۲۹)

- پلیس ینگی دنیا (۱۳۲۴)

- موریانه (۱۳۷۲)

- بادسام

- پاونگ

- محبوسى که در زندان دیوانه شد.

سال ۱۳۷۶

تقی مدرسی

(۱۳۱۱ - ۲ اردیبهشت ۱۳۷۶ - بالتیمور آمریکا)

تقی مدرسی به سال ۱۳۱۱ در تهران در خانواده ای
 روحانی بیده به دنیا گشود. اولین مجموعه 'داستانی اش
 با عنوان 'دائم الخمر' در سال ۱۳۲۵ منتشر شد. و یک سال
 بعد رمان 'سایه های وجود' را نوشت که این رمان منتشر
 نشد. سال ۱۳۳۲ به صورت موقت در بانک ملی مشغول
 به کار شد و تحصیلات روانپزشکی خود را آغاز کرد. رمان
 معروف و مشهور مدرسی 'یکلیا و تنهایی او' است که در
 سال ۱۳۳۳ آن را منتشر ساخت و جایزه 'بهترین
 رمان نویسی سال ۱۳۳۵' را گرفت.

تقی مدرسی در ۱۳۳۷ سردبیری مجله 'صدف' از
 نشریات شاخص سالهای پس از کودتا را به عهده داشت.

وی در سال ۱۳۳۸ تحصیلات خود را در رشته 'پزشکی
 به اتمام رساند و به دریافت درجه 'دکتری نایل گشت. و
 سال بعد به آمریکا سفر کرد تا دوران انترنی در بیمارستان
 سنت ژوزف و پختیا کاتراس را بگذراند. چند سال بعد
 (۱۳۳۴) گواهی دیپلم با درجه 'ممتاز' را از دانشگاه مک گیل
 کانادا دریافت کرد و به ایران بازگشت و رمان 'شریفجان،
 شریفجان' را منتشر کرد. دو سال بعد دوباره به آمریکا
 بازگشت و به استخدام دانشگاه مریلند درآمد.

تقی مدرسی سرانجام در ۳ اردیبهشت سال ۱۳۷۶ در
 بالتیمور آمریکا درگذشت.

- چندین داستان کوتاه در مجلات «سخن» و «جنگ

اصفهان».

- یکلایا و تنهائی او.

- دائم الخمر.

- شریفجان، شریفجان.

- آنمهای غایب.

- آداب زیارت.

اسلام کاظمیه

(۱۳۷۶ -)

اسلام کاظمیه یکی از نویسندگان معاصر است. مدتی

جزو نویسندگان مجله «علم و زندگی» بود. چندی نیز

سرپرستی دوره‌ای از مجله «آرش» را برعهده داشت.

سال ۱۳۳۸ داستان «در قصه‌های کوچه دلبخواه» را

منتشر ساخت. این داستان توصیفی است از آخرین سالهای

دوران رضاشاه و آثار جنگ جهانی دوم بر ایران از ورای

خاطرات دوران کودکی نویسنده.

داستان دوم اسلام کاظمیه «قصه‌های شهر

خوشبختی» نام دارد که در سال ۱۳۵۵ منتشر شد. این

داستان که به تاثیر از غربزدگی آل احمد نوشته شده اشاره

دارد به تاثیر فاسدکننده فرهنگ مصرفی بر زندگی شهری.

اسلام کاظمیه مدتی نیز در کانون نویسندگان ایران

فعالیت داشت. از آثار دیگر کاظمیه می‌توان از سفرنامه

جای پای اسکندر نام برد که درباره سیستان و بلوچستان

نوشته است.

اسلام کاظمیه که در خارج به سر می‌برد اوایل سال

۱۳۷۶ در پاریس از دنیا رفت.

بیژن نجدی

(۱۳۲۰ - چهارم شهریور ۱۳۷۶)

بیژن نجدی شاعر و نویسنده در سال ۱۳۲۰ به دنیا

آمد. در دوران کودکی پدرش را از دست داد و این حادثه

تاثیر زیادی در زندگی او داشت. اولین داستانش با

عنوان «شب سهراب کشان» را نوشت که در مجله چیستا

چاپ شد.

پس از آن چند داستان دیگر نیز در «کادح» که با تلاش

محمدتقی صالح پور در رشت منتشر می‌شد، به چاپ

رساند. بهترین کتابش مجموعه داستان «یوزپلنگانی که با

من دویده اند» می‌باشد.

بیژن نجدی در چهارم شهریور ۱۳۷۶ چشم از دنیا بر

بست.

آثار:

- شب سهراب کشان

- یوزپلنگانی که با من دویده اند

اقبال یغمایی

(۱۲۹۵ - ۱۵ شهریور ۱۳۷۶)

اقبال یغمایی فرزند اسدالله منتخب السادات یغمایی

متولد سال ۱۲۹۵ در روستای مسکین خور و بیابانک بود.

او از نوادگان دختری یغمایی جندقی شاعر هزل گوی دوره

قاجاریه و نیز برادر حبیب یغمایی شاعر و محقق و مدیر

مجله «وزین یغما» بود.

تحصیلات اولیه شامل علوم قدیمی را تا هشت سالگی

در «خور» آموخت، سپس به تهران عزیمت کرد و در

دارالفنون تهران به ادامه تحصیل پرداخت و پس از چندی

وارد دانشسرای مقدماتی تهران شد. بعد از پایان تحصیلات

دانشسرای عالی به شاهرود عزیمت کرده ضمن تدریس،

ریاست دبیرستان ایرانشهر را به عهده گرفت.

یغمایی از سال ۱۳۲۴ به وزارت فرهنگ و هنر تهران

منتقل شد، در تهران نیز به کار آموزش در دبیرستانهای

مختلف از جمله دبیرستان اسدی مشغول بود. برای مدتی

سرپرستی مجله آموزش و پرورش را به عهده گرفت، سپس

خود مستقلاً اقدام به نشر مجله «دانش» نمود که با گذشت

چند دهه در زمینه ادبیات کودکان و نوجوانان در ایران

کم نظیر بود. یغمایی پس از بازنشستگی نیز از فعالیت باز

نایستاد و سالها با بنیاد فرهنگ ایران به سرپرستی دکتر

پرویز خانلری و اداره نگارش وزارت فرهنگ و هنر همکاری

می‌کرد. اقبال یغمایی در پانزدهم شهریور ۱۳۷۶ در

بیمارستان امیرالمؤمنین تهران درگذشت. از این نویسنده

بیش از بیست و پنج اثر در حوزه‌های مختلف اعم از

تحقیق، ترجمه، تالیف و تصحیح متن باقی مانده است:

آثار تالیفاتی:

- طرفه‌ها: سه جلد

- افروند (مجموعه داستان ایرانی).

- داستانهای عاشقانه ادبیات فارسی.

- دانای بزرگ.

- خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۵۴)

- شهید راه آزادی (سرگذشت سیدجمال الدین اصفهانی

پدر محمد علی جمال زاده).

- داستانهای پهلوانی و عیاری در ادبیات فارسی.

- بایزید بسطامی.

- وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران.

- تشبیهات شاعرانه (۱۳۲۰)

- خلیج فارس.

- بلوچستان و سیستان.

- مجموعه داستانهای کودکان.

تصحیح متن:

- حماسه ابومسلم نامه.
- هوسنامه خسرو و شیرین.
- محضر رامین.
- گزیده و شرح نظامی.
- گزیده و شرح قابوسنامه، تهران ۱۳۷۱.

ترجمه:

- سفرنامه شارون در پنج مجلد.
- روبینسون کروزئه از دانیل دفو.
- پتی شز از آنتول فرانس.
- تلماک از فن سن.
- پلدونیرونی.

- قصر اشباح.

- دزدان خلیج.

- خانم بازارباب.

- خانه ای در هانگ چونگ.

- ترنگ طلایی.

- بر سر دوراهی.

- سنگتراش (۱۳۵۵).

- مجموعه داستانهای خریدایی بها و میراث (۱۳۶۲).

- آقا حشمت (۱۳۶۳).

سیدمحمدعلی جمالزاده

(۱۲۷۰ - ۱۷ آبان ۱۳۷۶)

سیدمحمدعلی جمالزاده در سال ۱۲۷۰ ش در یکی از خانواده های مشروطه خواه اصفهان دیده به جهان گشود. پدرش سیدجمال الدین واعظ همدانی از سادات شیعی جبل عامل لبنان و از مجاهدان صدر مشروطه و مادرش اهل اصفهان و از خانواده میرزا حسین باقرخان خوراسگانی بود. این کودک به واسطه وجود پدری فاضل که در تربیت و تحصیل او اهتمام فراوانی داشت، به محض اتمام تحصیلات مقدماتی در تهران به بیروت فرستاده شد. در بیروت دوره دیگری از تحصیلات خویش را در نزد کشیشان لازاریست به پایان برد و در سال ۱۳۲۸ هـ ق از راه مصر به اروپا رفت و در دانشگاه دیژون فرانسه در رشته حقوق نام نویسی کرد. جمالزاده باهوش و ذکاوت فراوان این دوره را نیز با موفقیت به پایان رساند.

جمالزاده در نیمه دوم سال ۱۲۹۳ ش به دعوت «انجمن ملیون ایران» برای مبارزه بر ضد روس و انگلیس به برلن رفت. در این ایام بود که داستان «فارسی شکر است» را به عنوان اولین داستانش در روزنامه «کاوه» منتشر ساخت. سال ۱۳۰۰ مجموعه «یکی بود یکی نبود» را در برلن چاپ کرد که این کتاب ولوله ای در میان خوانندگان فارسی زبان انداخت، چون جمالزاده برای اولین بار برخلاف رسم و عادت به زبان محاوره مردم کوچه و بازار و با اصطلاحات و تعبیرات متداوله آنها سخن گفته بود. مجموعه «یکی بود یکی نبود» شامل شش حکایت یا داستان کوتاه: «فارسی شکر است»، «رجل سیاسی»، «دوستی خاله خرس»، «درد دل ملاقربانعلی»، «بیله دیگر بیله چغندر» و «ویلان الدوله» است. در این داستانها نویسنده توانسته است چهره های مختلف اجتماع ایران را همچنان که هستند و با زبانی که سخن می گویند، بشناساند و گوشه هایی از اخلاق و عادات آنان را ارائه دهد.

جمالزاده چند سالی در برلن ماند تا اینکه در سال ۱۳۰۹ تحت فشار وقایع بسیار تلخی که زندگی را در برلن برایش مشکل ساخته بود، به ژنو رفت و تا آخر عمر در همانجا ماندگار شد. وی در طول اقامت خود در برلن با

منوچهر مطیعی

(آذر ۱۳۰۲ - ۱۱ مهرماه ۱۳۷۶)

منوچهر مطیعی مترجم و داستان نویسی است که به سال ۱۳۰۲ در خیابان ناصرخسرو تهران در خانواده ای متوسط پا به عرصه وجود گذارد. پس از طی تحصیلات مقدماتی به مدرسه نظام رفت و دانشکده افسری را به سبب علاقه به ادبیات نیمه تمام رها کرد و نویسندگی را آغاز نمود. نخستین کتاب داستان او با عنوان «گل آقا» در هفده سالگی اش منتشر شد و همین امر وی را به کارش بیشتر علاقه مند ساخت. در دهه ۱۳۲۰ به مطبوعات راه یافت و با نوشتن داستان و پاورقی راه آینده خود را یافت. سالها با مجلات ترقی، امید ایران، روشنفکر، تهران مصور، سپید و سیاه و همچنین آسیای جوان همکاری می کرد و با اسامی مستعار پرنده، عقاب، م. تهرانی، شبدین، کیمیا، ناژو می نوشت. آخرین مجله ای که آثار بسیاری از او را به چاپ رساند، «زن روز» به ویژه در دو دهه ۱۳۴۰، ۱۳۵۰ بود.

در خلال همین سالها بود که برای رادیو ایران داستان شب و داستانهای جمعه می نوشت. همچنین از سناریوهایی که وی به رشته تحریر کشید چند فیلم سینمایی ساخته شده است.

در ضمن به شاعری نیز علاقه داشت و بیش از دوهزار بیت غزل و قصیده سروده است. وی در ۱۱ مهر ۱۳۷۶ از دنیا رفت.

آثار:

- ننکهای اجتماع (۱۳۳۵).
- یک ایرانی در قطب شمال (۱۳۳۹).
- زندهای وحشی آمازون (۱۳۳۹).
- مومیایی فروشان (۱۳۳۵).
- مرد کرایه ای.
- گل آقا.

مجلات «نامه فرهنگستان» و مجله «علم و هنر» همکاری داشت.

پس از ورود به ژنو در دفتر بین‌المللی کار استخدام شد و پس از ۲۵ سال خدمت در سال ۱۳۳۵ ش از آن دفتر بازنشست شد و مدتی نیز به عنوان وابسته فرهنگی ایران در مرکز اروپایی سازمان ملل متحد در ژنو خدمت کرد.

جمالزاده نخستین کسی بود که قصه نویسی به صورت ساده و زبان عوامانه را در داستان نویسی به کار برد. او برای اولین بار در اقلیم قصه نویسی، رئالیسم را وارد کرد و قیود سنتهای قدیم را درهم شکست و سبکی را به وجود آورد که در عین اینکه ادبی و کلاسیک است مشحون از اصطلاحات و تعبیرات عامیانه می باشد.

جمالزاده در طول عمر با برکت خویش، با نگارش و تالیف و ترجمه حدود پنجاه داستان و رساله تحقیقی دریایی موج از فرهنگ و ادب را پدید آورد.

سیدمحمد علی جمالزاده در ۱۷ آبان ۱۳۷۶ در خانه سالمندان ژنو (۱۱۹) درگذشت.

آثار و تالیفات:

- گنج شایگان (۱۲۹۵)

- یکی بود یکی نبود (۱۳۰۰)

- گلستان نیکبختی یا پندنامه سعیدی (۱۳۱۷)

- دارالمجانین (۱۳۲۰)

- قصه قصه ها

- سرگذشت عموحسینعلی (۱۳۲۱)

- قلقتن دیوان (۱۳۲۵)

- صحرائ محشر (۱۳۲۶)

- راه آب نامه

- هزار پیشه

- نمایشنامه معصومه شیرازی (۱۳۳۳)

- سرگذشت بشر (ترجمه) (۱۳۳۴)

- تلخ و شیرین

- سر و ته یک کرباس (۱۳۳۵)

- ویلهلم تل (ترجمه)

- دون کارلوس (ترجمه)

- خسیس (ترجمه) (۱۳۳۶)

- داستانهای برگزیده (ترجمه)

- شاهکار (۱۳۳۷)

- بانگ نای

- کهنه و نو (۱۳۳۸)

- آزادی و حیثیت انسانی (ترجمه)

- کشکول جمالی (۱۳۳۹)

- دشمن ملت (ترجمه) (۱۳۴۰)

- غیر از خدا هیچکس نبود

- هفت کشور (ترجمه)

- خاک و آدم (ترجمه و تالیف)

- فرهنگ لغات عامیانه (۱۳۴۱)

- زمین و ارباب دهقان

- صندوقچه اسرار (۱۳۴۲)

- آسمان و ریسمان (۱۳۴۳)

- طریقه نویسندگی و داستانسرایی (۱۳۴۵)

- خلیقات ما ایرانیان

- تصحیح سرگذشت حاجی بابای اصفهانی (۱۳۴۸)

- قنبرعلی، جوانمرد شیراز (ترجمه) (۱۳۵۲)

- قصه های کوتاه برای بچه های ریش دار

- جنگ ترکمن (ترجمه)

- اصفهان

- هزارستان

- قصه ما به سر رسید (۱۳۵۷)

- دموکراسی خودمائی (۱۳۶۳)

- رساله یازده باب یا اندک آشنایی با حافظ (۱۳۶۶)

محمد قاضی

(۱۲۹۱ - ۱۳۷۶)

محمد قاضی مترجم و نویسنده نامدار در دوازدهم مرداد ماه سال ۱۲۹۱ در مهاباد دیده به جهان گشود. پدرش عبدالخالق فرزند ارشد مرحوم آقا شیخ جلال امام جمعه شهر مهاباد بود که دانشمند والایی در فقه و صرف و نحو و منطق به شمار می آمد.

وی دوران ابتدایی را در دبستان سعادت مهاباد به پایان برد. اما چون آن زمان در مهاباد دبیرستان وجود نداشت به ناچار مدتی بیکار ماند. بنابر این مرتباً به میرزا جواد قاضی (عمویش) که دارای دکترای حقوق بود نامه می نوشت تا او را به تهران ببرد.

سرانجام در سال ۱۳۰۸ به تهران آمد و در دبیرستان دارالفنون به تحصیلات خود ادامه داد. تا اینکه موفق شد در ۱۳۱۵ دیپلم متوسطه در رشته ادبی را دریافت نماید.

چندی بعد در دانشکده حقوق تحصیل رشته قضایی را آغاز کرد. پس از اخذ لیسانس حقوق در سال ۱۳۱۸ به خدمت سرپازی رفت و پس از اتمام دوره سرپازی به استخدام وزارت دارایی درآمد و تا سال ۱۳۵۵ جزو کارمندان آن وزارتخانه به حساب می آمد که در آن سال بازنشسته شد.

نخستین کتابی که از فرانسه به فارسی ترجمه کرد «کلود ولکرده» نوشته ویکتور هوگو بود که از آن به بعد (۱۳۱۷) تا آخر عمر به ترجمه انواع رمانها و کتابهای مختلف مشغول بود و با این کار خدمت بزرگی به فرهنگ و ادب ایران زمین ارائه کرد.

محمد قاضی در سال ۱۳۵۴ به بیماری سرطان حنجره مبتلا شد و تارهای صوتی اش را از دست داد. برای درمان به خارج رفت و از وزارت دارایی تقاضای بازنشستگی

کرد.

پس از بازنشستگی از وزارت دارایی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به خدمت مشغول شد که کارش فقط ترجمه کتاب برای کودکان و نوجوانان بود. و کتابهای «باخانمان» «ماجراجوی جوان» «پولینا چشم و چراغ کوهپایه» «داستان کودکی من» «پنج قصه از آندرسن» یادگار همکاری با آن مؤسسه است.

محمدقاضی سرانجام در دی ماه ۱۳۷۶ در بیمارستان ایرانشهر در ۸۵ سالگی چشم از جهان فرو بست. وی متجاوز از هفتاد عنوان از آثار و شاهکارهای ادبیات جهان را به زبان فارسی ترجمه کرد.

قاضی، افزون بر ترجمه رمانهای مختلف دو اثر داستانی نیز از خود به یادگار گذاشته است که در این مقال فقط به آثار داستانی ایشان اشاره می شود، چرا که آوردن یک یک آثار و ترجمه های قاضی خود مقاله ای مفصل می شود.

- زارا یا عشق چوپان (۱۳۱۷).

- گل تهران.

سال ۱۳۷۷

صادق چوبک

(۱۲۹۵ - ۱۳ تیر ۱۳۷۷)

صادق چوبک یکی از داستان نویسان معاصر ایران و یکی از پیروان همانمش صادق هدایت بود. وی در پانزده تیر ۱۲۹۵ در بوشهر و در خانواده ای بازرگان پیشه زاده شد. پدرش اسماعیل تاجر از تجار سرشناس شهر بود. دوره ابتدایی را در مدرسه سعادت زادگاهش گذراند و در کالج آمریکایی البرز دیپلم ادبی گرفت. محیطی که او در آن رشد نمود بعدها زمینه ساز پیدایش داستانهایش گردید. چوبک برای ادامه تحصیلات مورد علاقه اش به انگلستان و آمریکا رفت. در بازگشت به استخدام شرکت نفت درآمد. مدتی نیز به معلمی مشغول شد. وی به عکاسی نیز علاقه مند بود به طوری که پس از بازنشستگی از شرکت نفت اوقات فراغتش را با عکاسی پر می کرد.

کتابهای چوبک بیشتر به زبانهای انگلیسی، فرانسه، آلمانی، فنلاندی، روسی و چک اسلواکی ترجمه شده است. رمان «تنگسیر» چوبک مرتبط با واقعینهای اجتماعی زمان خود است یا به قول خودش: «... واقعیت بی رحم و عریانی است که من شاهد آن بوده ام».

فرهنگ عامیانه بوشهری و شیرازی در آثارش او را نویسنده ای محلی معرفی می کند. او به پیروی از هدایت طوماری از مثلها و واژگان عامیانه را در نوشته های خود می آورد.

چوبک در سیزده تیرماه ۱۳۷۷ دیده از جهان فرو بست.

آثار:

- سنگ صبور.

- انتری که لوطی اش مرده بود.

- خیمه شب بازی.

- تنگسیر.

- روز اول قبر.

- چراغ آخر.

منابع:

الف) کتب

- ۱ - آرین پور، یحیی، «از نیما تا روزگار ما»، «زواره»، تهران، ۱۳۷۴، چاپ اول، ج سوم.
- ۲ - آژند، یعقوب، «کتاب شناسی ادبیات داستانی ایران»، نشر آرمین، تهران، ۱۳۷۳، ج اول.
- ۳ - دهباشی، علی، «یاد سیدمحمدعلی جمالزاده»، نشر ثالث، تهران، ۱۳۷۷، ج اول.
- ۴ - سپانلو، محمدعلی، «نویسندگان پیشرو ایران»، نشر زمان، تهران، تیر ۱۳۶۲، ج اول.
- ۵ - عابدینی، حسن، «صدسال داستان نویسی در ایران»، نشر تندر، تهران، ۱۳۶۹، چاپ دوم، ج دوم.
- ۶ - عابدینی، حسن، «فرهنگ داستان نویسان ایران»، کاوش، تهران، زمستان ۱۳۷۴، چاپ اول.
- ۷ - میرصادقی، جمال، «داستان و ادبیات»، نشر نگاه، تهران، ۱۳۷۵، چاپ اول.

ب) نشریات

- مجله آینده، سال ۷ (۱۳۶۰) شماره های ۴ و ۸ و ۱۱ و ۱۲.
- همان، سال ۸ (۱۳۶۱) شماره های ۱ و ۱۱.
- همان، سال ۹ (۱۳۶۲) شماره های ۳ و ۴.
- همان، سال ۱۰ (۱۳۶۳) شماره های ۱۰ و ۱۱.
- همان، سال ۱۱ (۱۳۶۴) شماره های ۹ و ۱۰.
- همان، سال ۱۲ (۱۳۶۵) شماره های ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲.
- همان، سال ۱۳ (۱۳۶۶) شماره های ۶ و ۷.
- همان، سال ۱۴ (۱۳۶۷) شماره های ۱ و ۲.
- همان، سال ۱۵ (۱۳۶۸) شماره های ۲، ۹، ۱۲، ۶ - ۱۰.
- همان، سال ۱۶ (۱۳۶۹) شماره های ۱۲ - ۹.
- همان، سال ۱۷ (۱۳۷۰) شماره های ۱، ۲، ۸، ۵، ۱۲ - ۹.
- همان، سال ۱۹ (۱۳۷۲) شماره های ۲ - ۷ و ۹ - ۱۲ - ۱۰.
- مجله کک، سال ۱۳۶۹ شماره ۱۰، ۹، ۶.
- همان، سال ۱۳۷۰ شماره های ۱۲ و ۱۵ - ۱۴، ۱۶، ۲۰.
- همان، سال ۱۳۷۱ شماره های ۳۲ - ۳۳.
- همان، سال ۱۳۷۵ شماره های ۷۹ - ۷۶، ۸۲ - ۸۰.
- همان، سال ۱۳۷۶ شماره های ۹۲ - ۸۹.
- مجله کیهان فرهنگی، سال ۱۳۶۳، شماره ۲.
- مجله سروش، سال ۱۳۷۴، فروردین، شماره ۷۳۴.
- مجله چیستا، سال ۱۳۷۲، ش ۷، ۸، ۹، ۱۰.
- مجله راهنمای کتاب، سال ۱۳۵۷، شماره های ۱۲ - ۱.
- مجله زنان، سال ۱۳۷۵ تیر، شماره ۲۹.
- مجله جهان کتاب، سال اول، آبان ۱۳۷۴، ش ۲.
- همان، سال اول، خرداد ۱۳۷۵، ش ۱۵ و ۱۴.
- همان، سال اول، شهریور ۱۳۷۵، ش ۲۰ و ۲۱.

مصطفی خودش به من اجازه داده است که شب را در حسین آباد بمانم. البته من هم پیش از آنکه بیایم، همه کارهایم را کرده‌ام. برای گاو و گوسفندها علف چیده‌ام. برای مصطفی و بچه‌ها، نان پخته‌ام. خانه را مثل کف دست، پاک و پاکیزه کرده‌ام. کارهای خرده ریز را هم سپرده‌ام به دختران بزرگم زهرا و سکینه، و بعد با خیال آسوده، رو به حسین آباد راه افتاده‌ام.

حالا، یک دو ساعت است اینجام. توی اتاق خشتی نشسته‌ایم. نیم ساعتی است سفره ناهار را جمع کرده‌اند. زن‌ها مرا دوره کرده‌اند و تازه، حرفهایمان گل انداخته است که صدای موتور را می‌شنوم. گوش می‌دهم. «تاپ تاپ»ش، چقدر برایم آشناست! دارد از تپه، پایین می‌آید. نرم و با احتیاط. بیشتر می‌آید. وارد حیاط می‌شود. ترمز می‌کند و پشت «دریچه»^(۱) می‌ایستد.

شاه پری - صاحبخانه - از جا برمی‌خیزد و از اتاق بیرون می‌رود. موتور، خاموش می‌شود. صدای شاه پری را می‌شنوم:

- خوش آمدید. چه عجب ازئی طرفا؟ نکند راه کم کردید؟

- عجب از زمانه، دختر خالو. عجب از زمانه! صدای برادرم است. حبیب. شاه پری او را به خانه دعوت می‌کند:

- بفرمایید! بفرمایید منزل.

- سلامت باشید دختر خالو. باید برگردم. وقت نیست.

از جا، کنده می‌شوم و بیرون می‌روم. برادرم از پشت موتور پایین نیامده است. نگاهش می‌کنم. گرفته و ناراحت است. دست و پایم سست می‌شود. هزار جور فکر و خیال به ذهنم می‌آید. سرم، سنگین می‌شود. جلوتر می‌روم.

- سلام کاکا جان! خوش خبر باشی!

- سلامت باشی!

- ناراحتی کاکا، چی شده؟

- هیچی خواهر جان، هیچی!

- هیچی که نشد حرف، کاکا... پس چرا رنگ رویت پریده؟!

- سرم درد می‌کند.

شاه پری می‌گوید: «بلا دور است این شاه...»

- سلامت باشید!

برادرم، این را می‌گوید و بعد رو به من برمی‌گردد:

- مصطفی مرا فرستاده دنبالت تو. راه بیفت برویم!

- بیایم چه کار کنم؟

- نانی، آبی، چیزی درست کنی!

- من که نان و آبم را قبلاً درست کرده‌ام. تازه، سکینه مگر نیست؟ زهرا، مگر نیست؟ برادرم، دستش را روی پیشانی اش می‌گذارد و آن را می‌مالد.

- زهرا که از بچه‌هایش بیشتر نیست. سکینه هم برای خودش هزار جور کار و گرفتاری دارد. در هر حال، من نمی‌دانم. من فقط قاصدم!

و موتور را روشن می‌کند. زنهای آشنا، از اتاق بیرون

محمد عزیزی

لحظه های هجران



می‌آیند و احوالپرسی می‌کنند. برادرم عجله دارد و من هم، هول هولکی آماده می‌شوم. پشت ترک موتور می‌نشینم. شاه پری می‌گوید: «اینکه خیلی بد شد. لاقل یک پیاله چای می‌خوردید!»

برادرم می‌گوید: «این شاه... یک وقت دیگر. فعلاً خداحافظ. به مشهدی رضا سلام برسائید!»

- بعد از ماهی، سالی، گذرتان به ئی طرفا افتاده، حالا هم دنبال آتش آمده‌اید!

- «ان شاء... یک وقت دیگر، مزاحم می‌شویم. حالا عجله داریم. آمده‌ام بی خواهرم معصومه.» یکدفعه دلم تکان می‌خورد!

- بی زحمت، صدایش کنید.